

رد پای یک سازه فلزی در تاریخ شفاهی و فرهنگ عامه ایرانیان

پنجره فولاد؛ نقطه مشترک امید



ریحانه عامل نیک | حرم مطهر رضوی تنها یک مکان مقدس برای ما مسلمانان نیست؛ قدم به قدم آن دارای تاریخ و گنجینه‌ای از معناست. در این فرصت، در مورد سازه‌ای از جنس فلز صحبت خواهیم کرد که پنجره‌ای به‌سوی نور است؛ جایی که زائران دست به شبکه‌های فلزی آن دارند و دل به صاحب آن سپرده‌اند تا گرمای امیدی پیدا کنند. اینجا پنجره فولاد است؛ سازه‌ای که در نگاه اول شاید تنها قابی مشبک از جنس فلز و برنز به نظر برسد، اما در حافظه تاریخی ما ایرانی‌ها، مرز میان دوری و نزدیکی و تلاقی گاه‌تมนา با حضور بی‌واسطه است.

از پیرمردی که از فرسنگ‌ها دورتر آمده تا جوانی که دستش از همه‌جا کوتاه شده، همه پشت این پنجره یک زبان مشترک پیدا می‌کنند. زبان تمنا و چشم‌انتظاری برای گره‌گشایی. این سازه سال‌هاست که از کالبد خشک معماری عبور کرده و به یکی از تنیده‌ترین بخش‌های خاطره جمعی ایرانیان گره خورده است. در ادامه، مروری تاریخی-روایی بر این دلاویز فلزی داریم.

■ آنجا که طبقات اجتماعی رنگ می‌بازند

صحن عتیق در حرم مطهر از گذشته تا امروز همواره حال‌وهوایی خاص دارد. در گوشه‌ای از این صحن تاریخی، پنجره فولاد قرار گرفته؛ نقطه‌ای که بیش از هر جای دیگر در حرم مطهر، بازتاب‌دهنده احساسات زلال و بی‌پیرایه زائران است. اگر ساعتی کنار این پنجره بایستید، تنوعی شگفت‌انگیز از لجه‌ها، چهره‌ها و طبقات اجتماعی را می‌بینید که در کنار هم ایستاده‌اند. برای زائر خسته و محتاج، این شبکه فلزی نه یک مانع، بلکه نزدیک‌ترین معبر برای رساندن صدای قلب به صاحب بارگاه است. پنجره فولاد کارکردی اجتماعی و روانی در فرهنگ زیارت دارد؛ این مکان، فضایی امن برای سبکی دل و جان فراهم می‌کند. انسان‌هایی که در روزمرگی و سختی‌های زندگی مجالی برای گریستن یا بازگویی رنج‌هایشان ندارند، سر بر این پنجره می‌گذارند و بغض‌های فروخورده خود را رها می‌کنند. نکته مهم در این پیوند عاطفی، برابری کاملی است که در این نقطه شکل می‌گیرد. پشت این پنجره، عنوان‌های دنیوی، جایگاه‌های شغلی و دارایی‌ها هیچ امتیازی به همراه ندارند؛ همه با دستانی خالی و چشمانی امیدوار به یک آستان چشم‌دوخته‌اند و همین یکدستی، احساس تعلقی عمیق‌رادر

دل زائران زنده می‌کند.

■ از روزگار تیموری تا عصر حاضر

انگیزه اولیه ساخت این پنجره بسیار ساده، اما انسانی بود. ایجاد امکانی برای زیارت کسانی که به دلایلی چون بیماری، کهولت سن، عذر شرعی یا حتی شلوغی و محدودیت وقت در بازار، توان ورود به درون روضه منوره را نداشتند. آن‌ها می‌توانستند از همین نقطه بیرونی، ضریح را ببینند و زیارت‌نامه بخوانند. با گذشت زمان و به‌ویژه در عهد صفویه با شکل‌گیری ساختار نوین صحن عتیق، جایگاه این پنجره تثبیت شد. در روزگار قاجار و به فرمان ناصرالدین‌شاه، سازه کهن جای خود را به پنجره‌ای از جنس برنز داد تا مقاومت بیشتری در برابر فرسایش داشته باشد؛ اثری که امروزه به عنوان بخشی از میراث تاریخی در موزه آستان قدس نگهداری می‌شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با توجه به فرسودگی‌های ناشی از رفت‌وآمد میلیونی زائران،

سازه کنونی با روکنشی زرین و طراحی مستحکم‌تر در همان موقعیت تاریخی جای گرفت تا نشان دهد اگرچه کالبد مادی این اثر در گذر زمان نومی‌شود، اما سنت حضور و اصالت مکانی آن، پیوسته پایدار مانده است.

■ بازخوانی باورهای عامه در نگاه به پنجره

پنجره فولاد در ذهن و زبان مردم، صرفاً بخشی از معماری نیست، بلکه مجموعه‌ای از نمادها و معانی زنده است. وقتی پای صحبت زائران می‌نشینید، درمی‌یابید هر کسی روایت و تصویری یگانه و در عین حال پیوسته با دیگران از این نقطه دارد. مطالعات میدانی و بررسی‌های مردم‌شناختی نشان می‌دهد این سازه حداقل ۱۲ معنای ذهنی پررنگ را در ذهنیت ایرانی بازتاب می‌دهد. فراگیرترین این مفاهیم، «حاجت‌خواهی» و «گره‌گشایی» است؛ سنتی دیرینه که در آن، زائر با بستن تکه‌ای پارچه یا لمس شبکه‌ها، تمنای گشایش در کارهای فروبسته

زندگی‌اش را بازگویی کند.

در کنار این‌ها، مفاهیمی چون «استحکام فولادین» به عنوان نمادی از پناهگاهی تزلزل‌ناپذیر، «امید و افق‌گشایی» به این معنا که حتی در صورت بسته بودن درها همیشه پنجره‌ای به سوی روشنایی باز است و «نقطه تلاقی آسمان و زمین» در ذهن زائران نقش بسته است. همچنین باور به «شفا»، «دگرگونی روحی»، تداعی «جوانمردی» و حس «قدمت و اصالت»، منظومه‌ای معنایی پدید آورده‌اند که این فلز ساده را به یک نماد قدسی تبدیل کرده است. روایت پنجره فولاد با تار و پود گره و گره‌گشایی، در جهان ذهنی زائر، واسطه‌ای عینی برای دست یافتن به حقیقتی غیبی و دستیافتنی به‌شمار می‌رود.

■ معماری نور و زاویه دید

گیری و جاذبه کم‌نظیر پنجره فولاد تنها محصول باورهای قلبی نیست، بلکه تا حد زیادی به موقعیت مکانی و هندسه قرارگیری

هندسه تمنا در امتداد شبکه‌های قدسی

صفت فولادین بودن نه صرفاً نشانه‌ای از مقاومت مترايل، بلکه نماد استحکام باوری است که زائر برای تاب‌آوری در برابر شکنندگی روزگار به آن تکیه می‌زند. گره زدن پارچه‌های سبز و دخیل بستن‌ها، تلاش برای تبدیل استغاثه ذهنی به یک نشانه‌گذاری عینی است؛ پدیده‌ای که در پیوند با باور عمیق به استشفای شفاعت، این پنجره را به آستان شفا و گره‌گشایی تبدیل کرده است. علاوه بر این، پنجره در حافظه جمعی حامل مفاهیمی چون برانگیختن روح فتوت و ایثار است. زائر در مجاورت این درگاه، فرایندی از دگرگونی روحی را از سر می‌گذارند؛ بازتعریفی از خویشتن که فرد را از انفعال و اضطراب خارج کرده و با پیوند زدن به امر قدسی، حیاتی دوباره و سرشار از امید به او می‌بخشد.

ادراک فضایی زائر را بازتعریف می‌کند. در این تجربه، شبکه مشبک فلزی حائلی میان انسان و مرقد نیست، بلکه به عنوان محل تلاقی آسمان و زمین و درگاهی متعالی ادراک می‌شود. ایستادن در امتداد خط قبله و در برابر فضای سرگشاده صحن، استعاره‌ای عینی از گشودگی و نگاه به بالا را خلق می‌کند؛ جایی که زائر بن بست‌های معیشتی و روحی خود را در برابر ساحتی لایتناهی قرار می‌دهد و حسی از فراغت و پالایش درونی را تجربه می‌کند.

■ شفاعت و دگرگونی درون

در شبکه مضامین برآمده از تجربه زیسته، پنجره فولاد به مثابه دستاویزی استوار فهم می‌شود؛

پنجره فولاد فراتر از کارکرد اولیه خود به عنوان دریچه‌ای برای دیدار میان زائر و موزر، در افق پژوهش‌های زیارت به جایگاهی نمادین و چندلایه تبدیل شده که در آن، تجربه‌رهایی، دگرگونی روحی و ادراک امر قدسی در هیئت شبکه‌ای از مضامین معنوی تجلی پیدا می‌کند.

■ افق معنایی در منظومه حسی حرم مطهر

اگرچه در نگاه نخست، پنجره فولاد را امکانی برای رؤیت ضریح از دور دست می‌دانیم، اما در خوانش محققان، این سازه مرکز ثقل یک منظومه معنایی و حسی در کالبد معماری آستان قدس است. پژوهش‌های میدانی پیرامون جهان زائران نشان می‌دهد این نقطه در همبستگی معنادار با عناصر مجاور،

از برنز ناصری تا زرین امروز

پنجره در دوره‌های صفوی، قاجار و پس از انقلاب بازسازی شده است؛ کالبد آن تغییر کرد، اما اصالتش پایدار ماند.

هم افزایی در مثلث نمادها

هم‌جواری با سقاخانه و نقاره‌خانه، هارمونی حسی خاصی ایجاد می‌کند که تجربه معنوی زائر را در این نقطه به اوج می‌رساند.

مساوات اجتماعی و حافظه جمعی

این درگاه کانون برابری کامل است؛ جایی که فاصله‌ها رنگ می‌بازد و دردهای مردم، با شفا و کرامت رضوی پیوند می‌خورد.

خاستگاه و ضرورت تاریخی

نخستین پنجره در دوره تیموری برای زائران ناتوان ساخته شد؛ رویکردی انسانی که سنت زیارت از پشت شبکه را پایه گذاشت.

هندسه قدسی و اتصال به لایتناهی

این پنجره در راستای قبله و فضای باز صحن قرار دارد؛ هندسه‌ای که نگاه زائر را مستقیم به گنبد و آسمان پیوند می‌زند.

پنجره‌ای از جنس معنا

مفاهیمی چون استحکام، شفا و گره‌گشایی، پنجره فولاد را در ذهن زائر به مکانی متعالی و مرز تلاقی زمین با آسمان تبدیل کرده است.

۶ راز از پنجره فولاد